



یادداشت هفته

محمد امین جوادی
mohamadamin.javadi@gmail.com

نگذاریم اقتصاد در حالت کما بماند

تا چند روز دیگر تابستان هم تمام می شود و با پایان تعطیلات تابستان، مدارس آغاز به کار می کنند و کار رسمی در کشور سمت و سوی نسبتاً متعادلی پیدا می کند، اما در این میان آنچه که بیش از همه موجب نگرانی است آنکه با گذشت نزدیک به ۶ ماه از سال و با وجود فرارسیدن فصل پاییز که فصل فشرده کار و تلاش است، هنوز سر در گمی و ابهام در بازار کار، تولید و سرمایه و اصولاً در عرصه اقتصاد به شکل نگران کننده ای وجود دارد و این بلا تکلیفی همه را مستاصل کرده است.

بارها نگارنده یاد آور شده است که اگر می خواهیم اقتصاد رو به راهی داشته باشیم باید برنامه ریزی درستی هم داشته باشیم. اما در حال حاضر ظاهر آ خود دولت هم نمی داند که چه می خواهد بکند.

آخرین فرصت برای اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، پایان شهریور ماه و آغاز مهر است. کمتر از سه هفته به این فرصت باقی است ولی هنوز کسی نمی داند که این طرح در چه مرحله ای است و چگونه اجرا می شود؟

افزایش قیمت ها چه شکل و شمایی خواهد داشت؟ میزان یارانه ها چقدر است؟

چگونه یارانه ها به حساب مردم واریز می شود؟ چه افرادی یارانه می گیرند؟ چقدر می گیرند؟

در طرح هدفمندی یارانه چه کالاهایی حذف می شود و یارانه چه کالاهایی کم می شود؟ ...

آخر مگر ممکن است به طرفه العینی یک شبه اعلام بکنیم که از فردا قیمت این کالاها این مقدار تعیین می شود و هیچ اتفاقی هم نیفتاد و هیچ تنشی هم پیش نیاید؟

چطور ممکن است دولت از حال نداند که چه می خواهد بکند؟

از چند ماه قبل تولید کنندگان باید بدانند که هزینه خدماتشان و هزینه کالاها و خدماتی که از دولت دریافت می کنند (از جمله مثلاً هزینه برق، گاز، بنزین، گاز و بیل و...) چه تغییری خواهد داشت تا آنها بتوانند قیمت فروش محصولاتشان را بر همان اساس تعیین کنند. اینکه هنوز کسی نمی داند چه اتفاقی قرار است بیفتد و یا دولت بر نامه ماه آینده اش چیست، از جمله شگفتی هایی است که فقط ممکن است در ایران

خودمان اتفاق بیافتد. این بلا تکلیفی به هیچ عنوان آینده خوبی را نوید نمی دهد.

آیا خود متولیان محترم دولت در چند ماه اخیر متوجه اوج بلا تکلیف و انتظار و ر کود بازار نشده اند؟ آیا خودشان در چهره های مردم این اضطراب و التهاب و نگرانی را ندیده اند؟

آیا به اثرات این بلا تکلیفی و بی برنامگی اندیشه نداشته اند؟

در حال حاضر حتی کسی نمی داند که تکلیف معمولی ترین کالای مورد نیاز مردم یعنی بنزین چیست و چه خواهد شد؟ کسی نمی داند که قرار است سهمیه بندی وجود داشته باشد یا از بین برود؟

عده ای از بهای ۴۰۰ تومانی و عده ای دیگر از بهای ۸۰۰ تومانی بنزین صحبت می کنند. همین حال زمره افزایش قیمت بلیت قطار و هواپیما برخاسته است اما اینکه این افزایش قیمت چه میزانی خواهد بود معلوم نیست. در مورد نان هم اعلام می شود که به تدریج یارانه ها را بر می داریم...

فقط و فقط خبرهایی از این دست از اینجا و آنجا شنیده می شود که قرار است فلان کار بشود و فلان تصمیم را بگیریم و فلان قیمت اجرایی شود اما هیچ چیز معلوم نیست و چنین آشفتگی بازاری را حداقل کمتر سراغ داشته ام که همه چیز در چنین غبار و مه غلیظی پنهان و ناپیدا شده باشد.

به هر حال تا چند روز دیگر خود دولت هم باید تکلیف خودش را حداقل با خودش روشن کند. کلی بدهی به این و آن دارد که باید آن را بریزد. از وزارت

نیرو گرفته تا وزارت راه، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و... شرکتها، پیمانکاران، کارمندان، پزشکان و درمانگاهها و بیمارستانهای متعددی هستند که از دولت طلب کارند و دولت اگر پول آنها را ندهد همه چیز به هم می ریزد. در حال حاضر با هر پیمانکاری که صحبت می کنیم از طلبش و عدم وصول مطالباتش

از دولت گلایه دارد. همه اینها نیاز به بودجه دارد. از طرف دیگر دولت هم وعده کرده که از اول مهر یارانه نقدی به حساب خانوارها می ریزد. در حال حاضر دولت نیازمند هزاران میلیارد تومان سرمایه و بودجه جدید است تا به هزینه های سر و سامانی بدهد.

اما محلی برای تامین این هزینه ها وجود ندارند مگر آنکه طرح هدفمندی اجرا شود و از محل واقعی شدن قیمت ها در آمد جدیدی نصیب دولت گردد.

مگر آنکه بازار کار رونق بگیرد و از حالت رکود خارج شود. تا تولید و فروش در سایه رونق اقتصادی محقق گردد و دولت بتواند با اخذ مالیات به در آمد تازه ای دست پیدا کند...

مگر آنکه حالت رکود فعلی جای خود را به رونق نسبی بدهد تا بتوان سر و سامانی به اوضاع اقتصاد داد. در غیر این صورت این بلا تکلیفی آزار دهنده و این رخوت و رکود نمایان بیشتر به حالت کما می ماند که اسمش زندگی است، اسمش حیات و اسمش تپش قلب و زنده بودن مغز است اما زندگی در آن جریان ندارد.

نامه های بدون واسطه

خدا همه را از شرمندگی برهاند

زنی ۵۵ ساله هستم و دارای پنج فرزند یتیم، شوهرم که یک کارگر ساده بود. ده سال پیش بر اثر بیماری قلبی فوت کرد و از آن روز تا به حال فرزند بزرگم کمک حالم بوده و هست اما حال مدتی است که او هم در تامین مایحتاج زندگیمان دچار مشکل شده و به دنبال اجاره یک مغازه و خرید یک دستگاه کپی افتاده تا چرخ زندگی مان را با آن بچرخاند، اما حالا از صبح تا شب کارش شده به دنبال مغازه گشتن و حتی رفته بود جایی که ای را اجاره کند که گفتند ۲۵۰ هزار تومان و او از شنیدن این رقم شوکه شد و در حال حاضر نمی دانم چه کاری باید انجام دهیم و کسی را هم نداریم تا به او پناه بیاوریم که پول این دستگاه و در راه عنوان قرض به ما بدهد و به لطف خدا ما تا آخرین ریال را هم به او برگردانیم. ولی می دانم در کشور ما هستند کسانی که دستشان به دهانشان می رسد و می توانند دست یک خانواده بزرگ را بپنج یتیم را بگیرند و ما را از شرمندگی در و همسایه ها کنند ما کسی هستیم که اگر از گرسنگی هم بمیریم نمی گذاریم کسی بفهمد که در دلمان چه می گذرد ولی ببینید دیدن روی آشفته پسر و فشار زندگی با ما چه کرده که دست به دامن مردم شده ایم و به مجله نامه نوشته ایم و خیلی امید داریم که خدا ما را نا امید نکند.

ص - از خوزستان

چرا ازدواج مجدد؟

اخیراً یکی از مجلات قدیمی اطلاعات هفتگی را که مربوط به چند ماه پیش بود در جایی دیدم و توجه ام بدان جلب شد. در این مجله یعنی در شماره ۳۴۰۹ نامه ای از یکی از خوانندگان محترم به نام آقای «جواد - ر» از بابل چاپ شد که ایشان داشتن همسر دوم را امری مجاز دانسته و گفته اند چرا باید اختیار کردن همسر دوم در صورت وجود مشکل در همسر اول با توجه به اینکه خود شرع هم چنین اجازه ای را می دهد، اینقدر ناپسند و مذموم باشد... و مخالفان این نظریه را نیز مورد انتقاد قرار داده بودند. بنده می خواستم با توجه به اینکه پاسخ به این مورد ربطی به زمان و مکان ندارد و همیشه ممکن است این مساله وجود داشته باشد در این بحث شرکت کرده و در پاسخ به ایشان بگویم:

۱- آیا شما تلاش خود را کرده اید که همسرتان را از لحاظ پزشکی یا روان پزشکی در مان کنید و متوجه شوید که به چه دلیل ایشان از زناشویی پر هیز می کند و چه مشکلی دارند؟ تجربه نشان داده بسیاری از این مشکلات قابل درمان است. آیا تلاشی در این راه صورت داده اید یا بلافاصله کوتاه ترین و راحت ترین راه را انتخاب کرده اید؟

۲- هیچ فکر کرده اید که چرا به جنس مذکر مرد می گویند؟ آیا مردانگی این است که ما با مشاهده کمترین مشکل از حمایت همسرمان خودداری کنیم؟